

او دختر ۱۲ ساله را خفه کرد؛

قدیمی ترین قاتل اعدامی ایران کیست؟

شب‌هایی که در زندان‌های حکم‌های قصاص اجرامی شد، شب‌های عجیبی بود. چون خود هم زیر تیغ بود هر لحظه می‌مرد و زنده می‌شد و نمی‌دانستیم که چه سرنوشتی در انتظار است. درباره بقیه اعدامیان هم چون من قدیمی‌ترین زندانی بودم، به آنها دلداری می‌دادم. وقتی یک نفر را برای اجرای حکم از شب قبل به انفرادی می‌بردند گاهی من هم به سلول او می‌رفتم و با هم حرف می‌زدیم. تنها کاری که از دستم برمی‌آمد دلگرمی دادن بود تا شاید در لحظه آخر اتفاقی بیفتد و حکم اجرا نشود. تلخ‌ترین حکمی که شاهد اجرایش بودی حکم چه کسی بود؟

پسر نوجوانی بود که به اتهام سرقت مسلحانه در چهاره‌راه سلمان فارسی دستگیر شده بود و در ۷ ماه بعد به اتهام مجاربه به اعدام محکوم شد. او در این چندماه با آنها امید دادم و خواهش کردم از هم جدا نشوند. حداقل نفرشان با حرف‌های من از طلاق منصرف شدند و بر گهای طلاق را جلوی چشمان خود پاره کردند و بعدها هم شوهران‌شان توانستند رضایت بگیرند. زندانیان آزاد شوند. زندان مسئولان خوبی داشت. آنها از پرونده من باخبر بودند و همه‌شان به من لطف داشتند. هیچ زندانبانی را ندیدم بد باشد. مگر این زندانی‌اش بد باشد. در مورد اتفاقاتی که در زندان می‌افتاد توضیح بده. امیدوارم هیچ کس پیش به زندان نرسد؛ چرا که شرایط واقع‌سختی دارد. مثلاً من ۲۴ نوروز در زندان بودم. در لحظات تحویل سال همه دلشان می‌گرفت اما هفت‌سین پهن می‌کردند و از عمق وجودشان دعای خواندند. یاد ایام محرم مردم اسم عزاداری بر گرامی کردیم و همه با قلب شکسته و از صمیم قلب عزاداری می‌کردند. خیلی‌ها که نگاه‌کار بودند نام و پشیمان شده بودند. از سوی دیگر بعضی از زندانبانان نمی‌توانستند از نظر روحی خودشان در همه این سال‌ها هر لحظه امکان داشت حکم قصاص تو اجرا شود. از شب‌های قبل از اجرای حکم در زندان بگو. این شب‌ها چه شرایطی در زندان وجود داشت؟

گروه حوادث - قدیمی ترین قاتل اعدامی که در زندان خوزستان بوقبل از رفتن پای‌چوبه‌دار سرنوشتش تغییر کرد.

افشین یکی از قدیمی ترین زندان یان محکوم به اعدام کشور است که به خاطر خفه کردن دختر ۱۲ ساله ۲۴ سال در زندان بود.

از روزی که زندانی شدیم کابوس اعدام رهایم نمی‌کرد، هر وقت بلندگوی زندانبانان را صدای کرده‌می‌مردم و زنده می‌شدیم.

۲۴ سال تمام با کابوس اعدام زندگی کردم. این بخشی از حرف‌های یکی از قدیمی ترین زندانبانان کشور است که ۲۴ سال قبل به اتهام قتل بازداشت‌شده‌ها ۱۱ سال‌ها را با کابوس اعدام زندگی کرد اما سرنوشت او اولیای دم او را که در ۲۹ سالگی زندانی شده بود، در ۵۳ سالگی بخشیدند تا این پرونده قدیمی پایان خوشی داشته باشد. سال ۷۶ به دنبال قتل دختری ۱۲ ساله به نام بهار در خانه‌شان در اندیمشک، تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد. دختر نوجوان خفه و از خانه‌ها سرقت‌شده بود اما معلوم نبود در پشت پرده این جنایت چه‌کسی قرار دارد؟ با وجود این تحقیقات ادامه یافت تا اینکه جوانی ۲۹ ساله به نام افشین دستگیر شد. با اینکه او از همان روز اول می‌گفت که بی‌گناه است و نقشی در قتل بهاره ندارد اما او و سال‌ها در زندان ماند تا اینکه بعد از ۱۳ سال زندانی بودن آن هم با قرار بازداشت موقت، دادگاه حکم به قصاص داد افشین به این رأی اعتراض کرد اما در نهایت حکم در دیوان عالی کشور تأیید و قطعی شد. آن از روز بود که شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شد اما اولیای دم نه حکم را اجرامی کردند نه افشین را می‌بخشیدند.

قاتل اعدامی در خوزستان بخشیده شد
این شرایط سال‌ها طول کشید تا اینکه سرنوشت آن مرد خیر

۱۷ ساله بودم که با عشق پنهانی بچه دار شدم و...

ناچار برای تامین هزینه‌های اعیانم دست به خرده‌فروشی مواد مخدر زدم به طوری که آرام منزلم با تونق معتادان و خلافکاران تبدیل شد. شوهر اولم که دورانور از زندگی فلاکت‌بار من مطلع شده بود، روزی به در خانه ام آمد و فرزندانش را به منزلی برد که برای آن‌ها اجاره کرده بود. احمد اگر چه مواد غذایی و لوازم ضروری زندگی را در اختیار دو فرزند من گذاشت ولی آن‌ها همواره در خانه زندانی بودند تا این که روزی پسرم دچار دل درد شدیدی می‌شود و با جیغ و ناله هایش همسایگان را متوجه ماجرا می‌کند.

اهالی مجتمع مسکونی نیز با اورژانس اجتماعی تماس می‌گیرند و بدین ترتیب دو فرزندم در حالی روانه بهیستی می‌شوند که من به خاطر اعتیاد و مرگ مهر مادری به سرافشان رفته‌ام. احمد هم به دلیل ترس از همسرش آن‌ها را فراموش کرد. مدتی بعد نیز ماموران کلانتری قاسم آباد با حکم قضایی وارد منزلم شدند و مرا به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر کردند.

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ معظری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن جوان در اختیار نیروهای مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت.

مراجری علاقه‌ام را برایش بازگو کردم و خواستم با من ازدواج کند. اگر چه ابتدا مخالفت کرد اما بعد با این شرط پذیرفت که هر وقت همسرش متوجه موضوع شد بدون هیچ گونه اعتراضی از او جدا شوم. من هم شرط او را پذیرفتم و بدین ترتیب احمد یا خرید یک منزل در قاسم آباد زندگی مشترکش با من را آغاز کرد. این ازدواج مخفیانه در حالی ۱۰ سال طول کشید که من صاحب دو فرزند شده بودم و زندگی آرامی را سپری می‌کردم، اما بعد از گذشت این سال‌ها روزی «شیده» به ازدواج مجدد احمد مشکوک شد و من هم بی‌سر و صدا از او طلاق گرفتم و به دنبال سرنوشت سیاه خود رفتم.

از سوی دیگر توان تامین مخارج زندگی خود و فرزنداتم را نداشتم و به همین دلیل مجبور شدم دوباره با مردی ازدواج کنم که به تازگی با او آشنا شده بودم و او را نمی‌شناختم. تازه بعد از ازدواج فهمیدم که «هما یون» که تنها شغل درست و حسابی ندارد بلکه معتاد است و مواد مخدر می‌فروشد.

در همین مدت که تازه زندگی مشترک، همایون مرا نیاز معنادار کرد و من زمانی که دریافتم ادامه این زندگی جز فلاکت و بدبختی حاصل دیگری ندارد، از او جدا شدم ولی به

من که در آن سن شیفته مادرم بودم و در آغوش او آرام می‌گرفتم، هنوز نمی‌دانستم معنای طلاق چیست، فقط دوست داشتم در کنار مادرم باشم اما پدرم برای آن که مادرم را آزار ندهد، سرپرستی مرا به او نداد و این گونه مرا مجبور کرد تا نزد خودش زندگی کنم. به همین دلیل من مدام برای دیدار با مادرم اشک می‌ریختم و گریه می‌کردم. خلاصه خیلی زود پدرم مرا به عمه‌ام سپرد و در حالی که مادرم با مرد دیگری ازدواج کرده بود، او نیز زن جوانی را به عقد خودش درآورد و زندگی جدیدش را آغاز کرد. من هم تا کلاس سوم راهنمایی درس خواندم و بعد از آن در یک کارگاه خیاطی مشغول کار شدم. این در حالی بود که پدر و مادرم مرا فراموش کرده بودند و من عاشق مهر و محبت صاحبکارم شده بودم.

کمبود محبت در دوران زندگی ام موجب شد در ۱۷ سالگی دلباخته صاحبکار ۴۲ ساله ام شوم چرا که او مردی مهربان و بسیار خوش تیپ بود ولی به خاطر آن که «احمد» متأهل و دارای فرزند بود، نمی‌توانستم آشکارا علاقه‌ام را به او ابراز کنم.

به همین دلیل روزی با یک تصمیم احقرانه دست به خودکشی زدم. وقتی صاحبکارم در جست و جوی انگیزه این اقدام وحشتناک برآمد، دیگر نتوانستم طاقت بیابورم و

گروه حوادث - وقتی برای تامین هزینه‌های اعیانم دست به خرده‌فروشی مواد مخدر روی آوردم، منزلم نیز به باتونق معتادان و خلافکاران تبدیل شد.

آن قدر مواد مخدر مهر و عاطفه مادری را در وجودم کشته بود که حتی برای دیدن فرزندانم به بهیستی نرفتم و شوهر سابقم نیز از ترس همسرش آن‌ها را نادیده گرفت تا این که ...

این بخشی از اظهارات زن ۳۵ ساله‌ای است که به اتهام فروش مواد مخدر و در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی توسط نیروهای کارآزموده دایره مبارزه با مواد مخدر کلانتری قاسم آباد مشهد دستگیر شده است.

این زن جوان که دفتر خاطراتش را در کوچه باغ‌های بدبختی و تیره‌روزی ورق می‌زد، با بیان این که دلم برای فرزنداتم تنگ شده است! درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: چهار ساله بودم که قربانی اختلافات بین پدر و مادرم شدم. آن‌ها که با یک عشق هیجانی دوران جوانی با هم ازدواج کرده بودند هیچ گونه تفاهم اخلاقی یا یکدیگر نداشتند به طوری که بعد از شش سال زندگی مشترک از هم جدا شدند و مراد استواری برای انتقام از یکدیگر قرار دادند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

آموزش

آموزش موسیقی

پیانو - آواز - سلفژ

سنتور - تنبک

دف (ویژه بانوان) - گیتار

زیر نظر لیسانس موسیقی

با ۳۰ سال سابقه

تدریس و اجرای عمومی

۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷

خدمات

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی

جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است . متقاضیان به نشانی وبلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند . ساعت کار: بعدازظهر (۹ تا ۲ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

راننده با سواد ساکن جزیره نیازمندیم. مراجعه حضوری: خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، واحد ۷۱۵
۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

به تعدادی نیروی نگهبان ، لابی من ، خدماتی و کارگر فنی نیازمندیم. داشتن گواهی عدم اعتیاد الزامی می باشد. مراجعه حضوری به مجتمع درسا مهر ۱۲ - ۴۴۴۸۷۰۱۲

به تعدادی نیروی آشپز و

کمک آشپز و سالن‌دار نیازمندیم

۰۹۳۳۷۶۹۱۵۵۰

۰۹۱۲۰۸۰۱۴۴۶

تماس از ۷ تا ۱۱ شب

۴۴۴۲۴۹۹۹

۴۴۴۲۳۹۱۰

استخدام

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک B3 طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

نیروی خدماتی خانم با سواد جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک B3 طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی صبح

خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است متقاضیان به نشانی وبلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

معلم خصوصی زبان (خانم) جهت تدریس خصوصی مجازی دعوت به کار می شود. تلفن هماهنگی ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۵۵
ساعت تماس ۸ الی ۱۵

نیازمندیهای

اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش